

Manifestism and Extreme Irrationality (Acceptance of Quranic Beliefs), Generating Deviant Sects and Hurting Barjtihad

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Pariya Mikailzade¹
Yagob Pourjamal^{2*}
Saied Hasanzade Delgosh³

How to cite this article

Pariya Mikailzade, Yagob Pourjamal, Saied Hasanzade Delgosh, Manifestism and Extreme Irrationality (Acceptance of Quranic Beliefs), Generating Deviant Sects and Hurting Barjtihad, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(5): 227-235.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

* Correspondence:

Email: yraz.pourjamal@gmail.com

Article History
Received: 2022/11/11
Accepted: 2023/01/17

ABSTRACT

The evolution of the principles of jurisprudence in the present age requires a moderate approach in order to reach from extreme rationalism and obstinacy in appearances in a correct and moderate way, far from extremism and excess, because excess in using appearances or excessive reliance on superficiality separates us from moderation and moderation. The use of extremist reason also diverts us from the direct path of divine revelation, and this is the greatest damage to the structure of the principles of jurisprudence. Also, what is the best way to change the principles of jurisprudence in the present age? The results of this study show that extreme superficiality and lack of use of reasoning power of ijthad and ijthad knowledge of the individual also causes extreme irrationality in the principles of jurisprudence. The ball of emerging issues was freed from stagnation and intellectual rigidity, and caused the advancement and advancement of the science of the principles of jurisprudence.

Keywords: Appearances, Irrationality, Principles of Jurisprudence, Moderation

ظاهرگرایی و عقل‌گریزی افراطی (پذیرش باورهای

قرآنی)، مولد فرقه‌های انحرافی و آسیب‌زننده

براجتهاد

پریا میکائیل زاده خیابوی^۱

دانشجوی دکتری، گروه رشته فقه و حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

یعقوب پورجمال^{۲*}

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) و

سعید حسن زاده دلگشا^۳

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

تحول اصول فقه در عصر حاضر، رویکردی معتدلانه می‌طلبد تا از عقل‌گرایی مفرط و جمود در ظواهر به شیوه‌ای درست و معتدل به دور از افراط و تفریط برسیم چراکه افراط در استفاده از ظواهر یا تکیه مفرط بر ظاهرگرایی از میانه روی و اعتدال جدایمان می‌کند و عقل را به حاشیه رانده و موجب ظهور فرقه‌های انحرافی می‌شود و استفاده از عقل افراطی نیز از مسیر مستقیم و حیانی الهی دورمان می‌کند و این بزرگترین آسیب برشاکله اجتهاد است سوال این است ظاهرگرایی صرف و هم‌چنین عقل‌گرایی مفرط چه اشکالاتی دارد؟ و همچنین بهترین روش برای تحول اجتهاد در عصر حاضر چیست؟ نتایج عاید از این تحقیق می‌رساند ظاهرگرایی افراطی و عدم استفاده از عقل قدرت استدلال و معرفت اجتهادی را از فرد می‌گیرد و عقل‌گریزی افراطی نیز همان بلا را گریبانگیر علم اجتهاد می‌سازد بنابراین در مسیر متعالی پیشرفت اجتهاد، باید از هردونص و ظاهر و نیز عقل در کنار نقل، بهره کامل جست تا بتوان به تناسب زمان جواب‌گوی مسایل مستحدثه شده و از درجا زدن و جمود فکری‌رهایی یافت و موجب پیشرفت و ترقی در عرصه‌های اجتماعی شد

واژگان کلیدی: ظاهرگرایی، عقل‌گریزی، اجتهاد، اعتدال

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

*نویسنده مسئول: yraz.pourjamal@gmail.com

مقدمه

شیوع ظاهرگرایی و نمود دقیق آن در دوران غیبت صغریا با عنوان حدیث‌گرایی ظاهرگشت و تا نیمه دوم قرن چهارم ادامه داشت تا آنکه شیخ مفید و سید مرتضی به مبارزه با آن دست زدند مبارزات این دو فقیه و متکلم ظاهرگرایان را به انفعال کشاند لکن در قرن یازدهم هجری بامکتب دیگر و معتصب تر از آن نمود پیدا کرد عبارتی احیای دوباره علم حدیث در قرن یازدهم اتفاق افتاد و آثاری نیز تحت تاثیر علم حدیث و علوم وابسته به آن نوشته شد موضوعاتی از قبیل حجیت اخبار آحاد در فقه موضوع مورد بحث فقها گشت. لازم است قبل از ورود به شرح مقاله ظاهرگرایان معرفی شده و نظر آنان در مورد کتاب و سنت و عقل بررسی گردد ظاهرگرایان به گروهی اطلاق می‌شود که معتقدات خود را تنها بر پایه اخبار و احادیث نبوی و امامان معصوم استوار نموده اند و روش‌های اجتهادی و اصولی را نمی‌پسندند اینان در مقابل اصولیونی که معتقد به اجتهاد هستند قرار دارند استرآبادی از علمای افراطی این گروه معتقد است حلال و حرام بودن ذاتی نیست و قبح عقلی لازمه اش حرام بودن نیست به همین دلیل تبدیل شدن حرام به حلال و حلال به حرام را جایز می‌شمارد مثل آنکه چیزی در یک مذهبی حلال و در مذهبی حرام باشد هر چیزی را عقل مستقلا نمی‌تواند حلال و حرام بودنش را درک کند و باید شرع آن را کشف کند. طبق نظر علیپور و حسنی اینان معتقدند هیچ چیزی جای روایت را نمی‌تواند بگیرد و روایت مفسر قرآن است ظاهرگرایی و جمود بر ظواهر از اصول بنیادی ظاهرگرایان است اینان از قدرت عقل استفاده نمی‌کنند و تکیه آنان بر ظواهر آیات و روایات است چنانچه سبحانی می‌نویسد: اهل حدیث با پرسشگری و کنکاش در معانی عمیق قرآن و روایات مخالف هستند و آن را بدعت می‌دانند اهتمام ظاهرگرایان به تمام احادیث تا حدی است که هر حدیثی را معتبر می‌دانند حتی اگر مخالف با حکم عقل یا ظاهر قرآن باشد از این رو در موارد مخالفت ظاهر حدیث با قرآن، حدیث را مقدم شمرده و معتقدند سنجش ارزش حدیث با قرآن روش زنادقه و کفار است تکیه بر ظاهر معانی آیات قرآن موجب شد، که ایشان برای خداوند دست و پا و چشم و صورت قابل شوند (۱)

عدم حجیت ظواهر قرآن و علت آن از طرف اخباریون علم اجمالی به وجود مقیدات و تخصصات و متشابهات و مجازات در آیات قرآن می‌باشد و این متشابهات قرآن توسط ایمنه نیز تایید شده و اخباریون تاویل آن به عهده امامان گذاشته اند اینان از عقل و استدلال عقلی نیز می‌گریزند و ملازمه بین حکم عقل و شرع رانمی‌پذیرند که در زیر به تبیین آن می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

عنوان فوق، تقریباً هیچ پیشینه تحقیقی ندارد اما چندمقاله، بعنوان مثال مقاله سیدمهدی جباری و حجت الاسلام صالحی بصورت جزئی با عنوان ظاهرگرایی و سلفی‌گری، صرفاً به تعریف و تبیین ظاهرگرایی و سلفی‌گری پرداخته بدون اینکه به تاثیر ظاهرگرایی

ابوزهره معتقد است احکام شرع را باید از طریق نص کتاب و سنت و چیزی که بر نص حمل می‌شود و به آن بر می‌گردد استنباط کرد مانند قیاس. (۹)

همچنین بعضی عقل را منبع استنباط احکام به شمار نمی‌آورد چنانچه ابن تیمیه در مورد تعریف عقل از نظر متکلمان که آن را همان علوم می‌دانند، می‌گوید معارف عقلی اعم از علوم است و قابل احصا نیست پس عقل نمی‌تواند همانند علوم باشد (۱۰).

عقل در مکتب اهل حدیث و اخباریون و اشاعره و غیره جایگاهی در فهم شریعت ندارد یعنی ناتوان از فهم احکام است درحجیت عقل، اختلافی که مطرح است این است که اهل سنت احکام عقلیه‌ی مستند به امثال قیاس و استحسان را حجت می‌دانند نه خود عقل را و شیعه با تمسک به آرای اهل بیت آنها را باطل می‌داند و اصولیون و اخباریون شیعه نیز نظری مخالف دارند به این صورت که مشهور علمای اصولی شیعه به کارگیری احکام قطعیه عقلیه را در اثبات حکم فقهی جایز می‌دانند ولی اخباریون آن را مشروع نمی‌دانند به استناد این که خطا در احکام عقلیه زیاد است و روایات به کارگیری عقل در احکام شرعی را نهی نمودند

استفاده ظاهرا گرایان از عقل علیرغم ادعای عدم استفاده از آن وقتی علمی مطالعه می‌گردد چه متون دینی و چه متون تفسیری برای استنباط، به استدلال عقلی خواننده متکی است و با این استدلال عقلی، فهم متون و برداشت حقیقت آن آسان تر می‌شود این چنین و پیش فرض های ذهنی در اهل تعقل بیشتر شکل می‌گیرند کسانی که جمود بر ظواهر دارند عالم اخباری نیز بدون استدلال عقلی و ذهنی خود نمی‌تواند موضع گیری کند یعنی موضع گیری اخباری در مقابل اصولی بدون کمک استدلال عقلی سخنی به گزاف است چرا که کسی برای اثبات صحت ادعای خود و بسط نظرگاه های خود ارائه دلیل می‌نماید در واقع دست به نوعی استدلال عقلی زده و حتی در زمینه اثبات نقل و متون ظاهری نیز چاره ای جز استفاده از عقل نیست چنانچه علمای اخباری در نقل روایت و برداشت از آن هم دچار اختلاف گشتند و این اختلاف استنباطی نشانگر نگاه عقلی علمای اخباری و اجتهاد آنها در روایات ائمه هست هر چند خود اخباریون افراطی استفاده از عقل را حجت نمی‌دانند اما وقتی برای مباحثه با رقیب و پیروزی بر او برداشت های ذهنی خود را با استدلال عقلانی ثابت می‌کنند این خود دلیل روشنی است بر استفاده از نیروی عقل هر چند خود آن را انکار میکنند ضمن آنکه برداشت های متفاوت و گاه سوء برداشت از روایات ائمه خود ادله محکمی بر استفاده از عقل و ضرورت آن می‌باشد گرچه اعدا دارند اجتهاد نکرده اند و از عقل و استدلال هم استفاده نکرده اند و بعبارتی مستقل عمل کرده اند.

به عقیده برخی بزرگان پیدایش اخباری گری از فلسفه حسی اروپا متأثر شده است. (۱۲)

واخباریگری در پیدایش سلفی گری اشاره ای داشته باشد مقاله حاضر، در صدد است تمام موارد راهر چند اجمالی مورد توجه قرار داده و تبیین کند.

اشاره ای بر نظرات ظاهرا گرایان و پیروانشان

این گروه احکام شرعی را تبیین شده در کتاب و سنت می‌داند اما تأکید می‌کند که تاویل قرآن تنها مختص اهل بیت است و عقول عادی نمیتواند در آن غور کند ناسخ و منسوخ قرآن را نیز به واسطه رجوع به اهل بیت می‌توان درک کرد همچنین ایشان کتب اربعه و احادیث امامی را صحیح دانسته و تقسیم بندی حدیث به صحیح و حسن و موثق و ضعیف را باطل می‌داند و از طرفی اعتماد به علم کلام را هم مردود میدانند (۲)

استرآبادی می‌نویسد آیات قرآن طوری است که فهم آن برای مردم عادی سخت و نامفهوم است و سنت نیز این ویژگی را دارد پس برای رسیدن و شناخت احکام شرعی اعم از اصلی و فرعی ناچار به مراجعه به ائمه و شنیدن روایات هستیم استنباط حکام نظری از ظاهر کتاب و سنت ممکن نیست جز این که از طرف ائمه تبیین شود و تکلیف مشخص شود و تا زمانی که این تبیین از طرف ائمه به دست نیامده باید در قرآن و سنت نبوی توقف و احتیاط کرد (۳). این گروه روایات کتب اربعه را حجت و عمل به آن را لازم می‌دانستند و تقسیم بندی روایات را با چهار قسم باطل می‌دانند (۴).

استرآبادی مشاجرات علما در اصول فقه و اختلاف نظر آنان را به خاطر دخالت دادن عقل در حریم شرع می‌داند و تمسک به عقل و استدلال عقلی را در امور دینی توأم با خطا می‌داند

اخباریون علاوه بر اعتقاد به عدم حجیت عقل و اجماع، حجیت ظواهر قرآن را نیز نپذیرفتند و فهم متون مخفی ظواهر را فقط در حیطه ذهنی ائمه معصومین می‌دانستند و برای این نظر خود مدعی بودند تفسیر قرآن با رای خود به منزله دروغ بستن به خداست (۵). و ثانیاً اخبار متفاوتی بر عمل به ظواهر روایات از طرف ائمه به ما رسیده (۶)

حرعاملی می‌گوید برای تشخیص روایات صحیح همه امامان از جمله امام رضا توصیه کرده اند به کتاب خدا روایات را عرضه کنید اگر با قرآن و روایات ما مطابقت داشت از ماست و گرنه اگر بر خلاف قرآن و احادیث ما بود از ما نیست. (۷)

این گروه عقل و توانایی آن را در شناخت حسن و قبح ذاتی مستقلا و بدون اتکا به شرع مورد تردید کرده اند و حتی گروهی ملازمه بین حکم عقلی و شرعی را نمی‌پذیرند چنانچه استرآبادی می‌نویسد آیا نمی‌بینید که بسیاری از اموری که از نظر عقل زشت تلقی می‌شود در شریعت حرام نیست و نیز نقیض آن هم در شریعت واجب نیست.

ظاهرا گرایان عقل را به عنوان منبع استنباط احکام شرعی نمی‌پذیرند و حتی در صورت فقدان دلیل شرعی رجوع به عقل را فاقد اعتبار می‌دانند (۸)

روایات می باشد پس همانطور که سید محمد کاظم طباطبایی می نویسد اخباریون در مورد امور مشتبّه قائل به احتیاط هستند و می گویند آن باید اجتناب کرد (۱۵).

این گرایش مانند سلف خود روش اجتهادی را نکوهش می کرد چرا که روشهای اصولی در اجتهاد را بدعتی نشات گرفته از سایر مذاهب می دانستند و تکیه بر عقل را برای درک احکام صحیح نمی دانستند و عقل را از ورود در این حوزه ناتوان می داند این جریان ظاهر گرا و عقل گریز، یک جریان فکری و اعتقادی تاثیر گذار در راه رکود و ایستایی علم اصول فقه است تمسک به ظواهر متون بدون کنکاش عقلی و القای پذیرش بی اختیار آن عقل را به حاشیه رانده و به آن انفعال می بخشد

چنانکه ابن تیمیه ۷۲۸ ق از سلفیون دوری از عقل را ملاک نزدیکی به حق دانسته هنگام تعارض عقل و شرع تقدم شرع بر عقل را ضروری شمرد البته ابن تیمیه در طرد فلسفه، منطق و عقل به استدلال عقلانی متوسل می شود. (۱۶).

و در نزاع بین عقل و نقل، تعارض بین آنها را، گواه جعلی بودن روایات و خطای راوی قرار نمی دهد (۱۷)

ابن تیمیه ضمن حمله به مخالفان و متهم کردن آنان به بدعت گذاری در دین اظهار می دارد پیشینیان سلف نه تنها در امور نقلی سرآمد همگانند و فهم آنان از اخبار و روایات از دیگران کامل تر است بلکه در امور عقلایی نیز بیشتر به راه صواب نزدیکند بنابراین راه نجات در پیروی همه جانبه از آنان است. (۱۸).

نقد مذموم بودن اجتهاد از نظر ظاهر گرایان گاهی ایات و روایاتی برای علما مبهم و فهم آن دارای پیچیدگی است حال این پیچیدگی به خاطر غنای بالای آیات یا تحریف و جعل روایات و منتسب کردن آن به ایمه یا بیان روایات از طرف ایمه در قالب لفافه به علت شرایط زمانی و مکانی و ظرفیت مخاطب و رعایت تقیه و حفظ جان خود و یارانش ذکر روایت کامل ممکن نبود و نیاز بود برای فهم مطلب کلی و رفع تنوع استنباطی احیاناً غلط و اختلاف علما و سردرگمی آنان مجتهدی تواند حکم را، برطبق ظنون خاصی که دلیل متقن بر حجیت آن موجود است بدهد لذا رجوع به عقل برای فهم متون و تشخیص درستی و نادرستی و رفع تعارض بین دو حدیث متفاوت از یک راوی و نیز فهم محکمت و متشابهات آیات قرآن و تفسیر آن نیز نیاز به فعالیت عقلانی و تفکر و تعمق عقلی دارد همینطور لازم است برای جواب به مسایل پیچیده عصر حاضر نیز از استدلالات عقلی بهره ببریم

رویارویی و تقابل عقل و دین، اندیشه ناصوابی است که از زمان های گذشته گریبانگیر عقاید علمای دوره های قبل شده است هر چند علمای برای زدودن این اندیشه موثر بودند اما نقش شیخ مفید در مبارزه با تفکرات ظاهر بین بسیار برجسته است ایشان عقل را به جایگاه اصلی خود کشاند و معتقد بود اگر حدیثی بر خلاف احکام

زیرا بعقیده جناتی هر دو مکتب، احکام عقلی را که سندیت حسی ندارد قبول ندارد و حتی استرأادی علاوه بر عدم قبول عقل و ادراکات عقلی ادله اثبات خالق توسط عقل را نیز نپذیرفته و در مقابل آن جبهه گیری کرده است (۱۳).

ظاهرگرایی حرکت مرتجعانه ای بود که تا زمان حاضر آثارش مشاهده می شود مثلاً اعتماد به احادیث ضعیف عدم استفاده از عقل در علوم دینی و حتی در علوم غیردینی چون طب و... و دستاوردهای آن در عصر حاضر و جمود فکری این گروه دافعه ای برای علوم دینی خلق می نمود و این حرکت مانع تکامل شایسته علم اصول گردید و باره بسیاری از مسایل اصولی باب بحث در اسانید و متون روایات را مسدود کرد و با عقل و عقلگرایی نیز تقابل داشت همچنانکه عقل گرایی نیز جریانی در تضاد با این گروه بود.

افراط ظاهر گرایان در گذشته و حال

ظاهرگرایی که در گذشته بصورت مستقیم و چه بصورت غیر مستقیم در عصر حاضر وجود دارد این است که سنت را مثل احکام تشریحی قرآن، حکمی مطلق میدانند که قابل تسری و تعمیم به همه زمانها و مکانهاست در حالی که این تعمیم در بعضی شرایط و موارد مطلق است نه همه موارد ظاهر گرایان هر حدیث و روایتی را بیان گروهی حکم شرعی میدانند در حالی که این چنین نیست چنانکه شیخ محمد شمس الدین ضمن توضیح آن می فرماید احکام قرآنی دارای اطلاق زمانی هستند یعنی حکم و دستورشان محدود به زمان خاصی نیست اما دستورات سنت چنین اطلاقی ندارد یعنی بعضی از این احکام بار شرعی ندارد نوعی تدبیر برای رفع بی نظمی و یا هدایت جامعه در شرایط خاص است (۱۴).

روش موجود حکم می کند هر روایتی که در سنت آمده بیان کننده ی یک حکم شرعی الهی است غافل از اینکه پیامبر رئیس حکومت بوده و دارای مناصب گوناگون و پیامبر در همه حوزه ها قول و فعل و تقریر داشت بنابراین لازم است این قول و فعل و بر حسب ابعاد زندگی رسول اکرم دسته بندی شود زیرا حکمی که به واقعه بخصوصی وارد شده نمی توان به مواردی دیگر تعمیم داد. شمس الدین همان و حال

اجتهاد و روشهای اصولی، عملی مذموم از نظر ظاهر گرایان افراطی افراطیون ظاهرگرا قائل به حرمت اجتهاد هستند اجتهاد را بدعتی متأثر از اهل سنت می دانند معتقدند اصول عملی حجیتی ندارد و عقل و دستورات او مثل قبح عقاب بلایان و تکلیف مالا یطاق قابل پذیرش نیست مگر آنکه دلیل شرعی بر عدم عقاب بلایان وجود داشته باشد وگرنه نمی توان به برائت حکم کرد در مورد جواز یا عدم جواز عملی مشکوک باید حکم به احتیاط شود و عملی که در مورد انجام و عدم انجام آن شک داریم باید ترک شود مثل کشیدن سیگار وقتی دلیل شرعی بر جواز آن وجود ندارد که وارد جامعه شیعه شده زیرا تکالیف همه مستقیم در اخبار وجود دارد و مستلزم استخراج از

گرفتار تجسیم و تشبیه نیز شده اند دیدگاه سلفیان در عصر حاضر مورد نقد اندیشمندانی از اهل سنت قرار گرفته

طوری که سامر اسلامی معتقد است عده ای متحجر ادراک فهمی خود را از کتاب و روایات به درک عقلی اصحاب پیامبر وایمه وابسته نموده اند اینان روش خود را بر مبنای عقل استوار نمی سازند بلکه بر نقل تکیه می کنند لذا از بحث عقلی می گریزند و فقط بر ظاهر نص اعتماد می کنند (۲۱)

گروه انحرافی وهابیون که مولود این طرز فکر و ادامه دهنده این نوع بینش نسبت به کتاب و سنت است و هنوز هم متأسفانه فعالیت می کنند با تکیه بر ظاهر گرایی و جمود بر ظواهر و دوری از عقل با نام سلفی ها در مسائل اعتقادی منجمله توحید و مبانی فکری خود تعصب دارند و خود را منادی واقعی توحید می دانند و سایر فرقه های اسلامی را با اندک بهانه ای خارج از توحید می شمارد و استفاده از روش های کلامی و عقلی را محکوم می کنند.

این گروه نقل را بر عقل ترجیح می دهند و استناد به نقل را بر دلایل عقلی ارجح می شمارند در مسائل دینی با تکیه بر آیات و قرآن و سنت نبوی و اجماع طی طریق می کنند و احادیث ائمه وایمه مذاهب هیچ کدام را دارای ارزش نمی دانند فقط احادیث نبوی از نظر اینان دارای ارزش است از نظر این گروه باب اجتهاد بر روی همه باز است با شیعیان مخالف هستند و تقلید از امامان مذاهب را خلاف دین می شمارند (۲۲)

ظاهرگرایی امروزی، آفتی برای تحول اجتهاد ظاهرگرایی از جمله آفت های موثر در تحول اجتهاد و در مسیر متعالی آن می باشد یا بعبارت دیگر نص گرایی امروزی آفتی برای اجتهاد است نمود های این ظاهر گرایی امروزی همان عدم تعیین زکات بردارندگان چندین مغازه و چندین خانه مسکونی بلااستفاده که منبع درآمدشان خرید و فروش این املاک است می باشد و همچنین عدم تعیین زکات بر دارندگان خودروهای متعدد میلیاردی که کارشان صرفا خرید و فروش این خودروهاست تشریح زکات یا همان گردش مالی در جامعه باعث میشود سرمایه هاتراکم نشده و کسب و کارها رونق گیرد و این از اهداف اصلی زکات است چنانچه حضرت علی ع علاوه بر اخذ زکات از گندم و جو و... که حکم ثابت شرع اسلام است بر اسب نیز زکات معین میکرد عبارتی چون در آن منطقه اسب نیز جز اموال به حساب می آمد لذا اسب را نیز از مصادیق زکات تعیین میکرد شاید اگر محصول زراعتی غالب در آن منطقه چیزی غیر از گندم و جو بود آن نیز به عنوان مصادیق زکات محسوب میشد حال در عصر جدید آن چه باید مشمول زکات گردد معاف از پرداخت زکات و مالیات و... می باشد در حالی که قشر زحمتکش کشاورز و دامدار ملزم به پرداخت زکات هستند و این علامت سوال بزرگ پر رنگترین شبهه و مطالبه از مجتهدین در عصر تحولات است که نشان میدهد ظاهرگرایی و تکرار تقلیدی از استنباط علمای قبلی بدون لحظه ای تامل و تفکر

عقلی باشد این حدیث مبنای حکم قرار نمی گیرد» ان و جدنا حدیثا یخالف الاحکام العقول طرحنه لتضییه العقول بفساده» (۱۹).

تربیت ظاهر گرا نیز بر انجام اعمال و فرایض دینی بدون کم و کاست، نسبت به رفتارهای سلف تأکید دارد در ظاهرگرایی اهل سنت بر تقلید از رفتار رسول اکرم و صحابی تأکید دارد در میان ظاهر گرایان شیعه اخباریون نیز بر تقلید از رفتار پیامبر و ائمه ی معصومین تأکید دارد نزد آنان رفتاری که برخاسته از اختیار و آزادی انسان که به قدرت عقل و ورزی و تفکر متربی تکیه داشته باشد مطرود است چنانکه از نظر اخباریان عقل در قرآن و عقل در روایات مدح شده است اما این عقل تا زمانی خوب بود که وحی نیامده بود با وجود وحی نیازی به عقل نیست (۲۰)

هر چند اخباریون تضعیف شدند اما تفکر اخباری که باعث تضعیف جریان عقل گرا شده بود هنوز هم در میان برخی متفکران شیعه دیده می شود طوری که با نگاهی به نحوه برخورد با نظر لزوم تحول در اجتهاد و قشری گرایی و برگشت به سده های قبل در نظریه پردازی هانمونه ای از این تفکر اخباری در عصر جدید است استرآبادی مشاجرات علما در اصول فقه و اختلاف نظر آنان را به خاطر دخالت دادن عقل در حریم شرع می داند و تمسک به عقل و استدلال عقلی را در امور دینی توأم با خطا می داند.

فرقه انحرافی سلفیون مولود ظاهرگرایی افراطی در عصر جدید اعضای اولیه این گروه ظاهرگرایانی بودند که بدون تفکر و تعقل فقط به ظواهر کتاب و سنت استناد می کردند این گروه اگرچه در قرن اول پدید آمد از قرن سوم واژه سلف جای خود را با اصحاب حدیث عوض کرد و در این نامگذاری ابن تیمیه نقش موثری داشت وهابیون نیز به پیروی از ابن تیمیه خود راسلفیه نامید در میان شیعیان امامیه نیز در زمان امام باقر و امام صادق میان اصحاب این دو بزرگوار گروهی که معتقد به بکارگیری عقل در معارف دینی هستند متکلم و گروهی که نص گرا هستند محدث می نامند با این تفاوت که میان گروه اهل حدیث و معتزله از اهل سنت فاصله و تفرق دیده می شود اما این دو گروه این فاصله را نداشتند اما از قرن سوم این دو گروه هم در امامیه از هم فاصله گرفتند از قرن سوم با امامت احمد بن حنبل آغاز شد از نظر او فقط کتاب و سنت ارجح بود حتی احادیث ضعیف را نیز بر قیاس ترجیح می داد پس از او نیز داوود ظاهری به ظاهر قرآن و سنت توجه داشت و عقل را ضعیف تر از آن می دانستند که با آن تکیه شود

چنانچه ابن تیمیه از معروف ترین سلفی ها عقل را مورد سرزنش قرار می داد و آن را برای رسیدن به معرفت یقینی کافی نمیدانست ارزش و جایگاه عقل را فقط به آن اندازه می داند که انسان بتواند در کتاب خدا ببیند.

ظاهرگرایان افراطی هیچ تاویلی را در ظاهر ظاهر کتاب نمی پذیرند و این سبب عدم فهم درست آیات گشته طوری که در شناخت خدا

و استفاده از قوه عقل یا درجانی و جمود برظواهر هنوز هم در عصر حاضر مشاهده میشود (۲۳)

فهم غلط از آموزه های دینی و نص گرای و ظاهر گرایی و گاه استفاده ابزاری از نصوص در جهت مطامع و منافع مادی عقل را به قهقرا کشانده و خود یکه تاز میدان می شود امام خمینی از جمله علمایی است که نشان داد استفاده از عقل در زمینه صدور فتوهای شجاعانه در مسائل مستحدثه چون لقاح مصنوعی، ورزش، موسیقی، شطرنج می تواند در فقه و اصول نوآوری کند و موجب تحول آن گردد امام خمینی می فرماید اگر عبد در مورد فعلی که با آن امر و نهی شده متوجه امر مولا نشود خودش حسن و قبح آن را تمیز می دهد. همچنانکه شیخ مفید بارها بر شیخ صدوق خرده می گیرد که دچار تناقض در معناست و دلیل تناقض گویی و آشفتگی معنا در مطالب شیخ صدوق را اهل نظر نبودن او و همچنین متکی بودن او به ظواهر آیات می داند و می فرماید کسی که در بیان اعتقادات مذهب خویش به ظواهر اقوال مختلف روایی اعتماد می کند و تقلید از راویان را پیشه خود می سازد وضعی بهتر از این نخواهد داشت (۲۴).

ظاهر گرایان باتکیه بر سنت و افراط و تعصب شدید بر استفاده از آن بدون توجه به عقل و کارایی آن در استنباط، عقل گریزی را نیز در دستور کار خود قرار دادند برای اثبات جمود فکری آنان، ابتدا عقل و کارکرد موثر آن را بررسی می شود.

جایگاه واقعی عقل و نظر موافقان آن

عقل ابزار کار محقق است در فهم درست حقایق و احکام و در تفهیم علوم نقلی و استنباط درست آن نقشی موثر ایفا میکند چنانچه علی دوست می نویسد: عقل، ابزاری در خدمت منابع و ادله دیگر است که برخی محققان به آن کاربردی آلی عقل می گویند علی دوست و همگان نقش و جایگاه عقل را به عنوان ابزار استنباط پذیرفته و در عمل به آن استناد کرده اند.

عقل علاوه بر مسائل اعتقادی چون اثبات وجود خدا که قطعاً به وسیله ی کتاب و سنت ممکن نیست، در مورد حجیت قرآن و سنت و کلام پیامبر نیز نقش آفرین و توانمند است عقل در نفی حکم در جایی که دلیلی بر وجود تکلیف از ناحیه شارع وجود ندارد به حکم قاعده قبح عقاب بلا بیان حکم به براءت و نبود تکلیف می دهد و گاهی نیز در پاره ای از موارد حکم به احتیاط و تخیر می کند.

عقل در تفسیر آیات قرآن نیز به عنوان یک منبع ذاتی عقل برهانی عمل می کند یعنی در آیاتی که پدرا ید جسمانی خداوند معرفی کرده عقل با اثبات وجود خداوند مجرد از جسم و ماده ید را ید جسمانی نمی داند بلکه به معنای قدرت الهی می داند (۲۵).

عقل منبعی مستقل برای کشف احکام و معارف الهی است در علم فقه هم یک منبع مستقل شناختی است وقتی

احکام است اما آنچه بدیهی است هیچ فقهی بدون مراجعه به عقل قادر به فهم و استنباط احکام نخواهد بود و یا مشکلی از احکام شریعت را نمی تواند بیان و حل کند.

محمدرضا مظفر مینویسد: عقل عملی ادراک آنچه شایسته است عمل شود یعنی حکم عقل است، به اینکه این فعل شایسته است انجام شود یا شایسته نیست انجام شود.

و عقل را در رسیدن به حکم شرعی توانمند معرفی میکند علامه طباطبایی معتقد است فطرت سالم مولد ادراک درست و معقول است و احکام توسط آن بیان و تبیین میشود و میان صلاح و فساد و حق و باطل فرق گذاشته میشود.

از منظر امام خمینی حجاب هایی بین مستفید و قرآن بعنوان مانع برای فهم آیات قرآن وجود دارد اما طالب فهم آیات و استنباط درست از آن، باید با تهذیب نفس خود موانع را از بین ببرد اما با تکرار مراجعه و استمرار تدبیر در آیات و تهذیب نفس، مسیر فهم درست گشوده می شود ایشان معتقد بود با تدبیر در آیات قرآن طرق استفاده از قرآن هموار می شود و ابوابی جدید برای انسان مفتوح می شود و همچنین از معارف نو قرآن استفاده می کند.

عقل برای شناخت مفاهیمی چون ذات پروردگار محتاج رجوع به شرع است لذا با تفکیک بین این امور کارکرد واقعی عقل و شرع را میتوان با دقت لحاظ کرد.

عقل ابزاری در دست مجتهد است که با آن مباحث اصول فقه را مورد تفسیر و تحلیل قرار می دهد عقل در اثبات اعتقادات مثل اثبات وجود خداوند نقش محوری دارد زیرا اثبات وجود خداوند بانص کتاب و سنت، مستلزم دور و محال است استناد به قرآن و کلمات معصومان، در صورتی صحیح است که انسان پیش از آن وجود خدا را پذیرفته باشد و به کلام او ایمان داشته باشد.

شیعه به دلیل عقلی، به عنوان ابزار اجتهادی می نگرد به عنوان مثال بن ادریس حلی می نویسد هرگاه در مسئله ای از مسائل شرعی دلیلی از کتاب و سنت و اجماع به دست نیامد محققان در بیان و شناخت حکم آن به دلیل عقلی تمسک می جویند.

امامیه و اصولیون، عقل را از منابع استنباط احکام معرفی کرده اند علامه طباطبایی در مقام دفاع از اجتهاد می فرماید: اولاً اجتهاد و تقلید از مسائل حیاتی انسان می باشد و هر انسانی پای به دایره اجتماع می گذارد و از لحاظ رویه اجتهاد و تقلید ناگزیر است ثانیاً هر انسانی در بخشی بسیار کوچکی از جهان زندگی خود به اجتهاد می پردازد و در سایر بخشها با تقلید پیش می رود به راستی کسی که می پندارد در زندگی خود زیر بار تقلید نرفته و نخواهد رفت با یک پندار دروغین خویشتن را فریب می دهد ثالثاً قضاوت عمومی فطرت به جواز تقلید و یا لزوم آن در جایی است که انسان جاهل بوده و توانایی اعمال نظر و بررسی و پیگیری مسئله را نداشته باشد و مرجع تقلید و پیشوای مفروض در اینجامرجه صلاحیت دار است. اگرچه عقل تسهیل کننده استنباط احکام است اما عقل گریزان معرفت های مستقل عقلی یا مستقلات عقلی را نمی پذیرند و بر توانایی عقل در شناخت احکام، تفسیر ظواهر و نصوص و نقش محوری عقل در دین شناسی و مبادی بدیهی آن اعتقادی ندارند یعنی عقل گریزان و ظاهر گرایان آنچنان در جمود فکری خود دست و پا

ناتوانی خود در فهم شرعی واموزه های دینی اعتراف می کند و نظر آنان را بر خویش مقدم می دارد.

محدودیت عقل در کنار توانمندیهای آن بسیاری از حقایق دینی فراتر از گستره عقل است فهم عمیق تمام مطالب قرآن بدون مراجعه به روایات ایمنه و همچنین بسیاری از احکام و علت تشریح آن از توانایی عقل خارج است یعنی عقل شاید احکام شرعی را از غیر شرعی تمیز دهد اما نوع تشریح و علت حکم را نمیتواند درک کند و همینطور نمیتواند در جزئیات احکام فقهی و استثنایات آن ورود نماید یا خودشناسی و معرفت نفس و شناخت کامل خدا و اسما و صفاتش بدون کمک از شرع امری ناممکن است همچنانکه شناخت حقایق معاد و سرای ابدی نیز از حیطه توانایی عقل خارج است عبارتی لزوم شناخت هر چیزی احاطه و تسلط بر آن است و اما عقل نمی تواند به هر چیز احاطه کرده و آن را بشناسد دلیلش این است عقل خود، مخلوق است نمی تواند بر خالق احاطه یافته و او را بشناسد پس عقل بر هر چیزی عاجز شد، انسان را به نقل و سایر راههای شناخت دعوت می کند

به این ناتوانی ملاصدرا نیز اشاره میکند و می فرماید: شناخت اسما و صفات خداوندی که در نهایت عظمت و شکوه است و به دست آوردن آن صفات با عقل فلسفی و مباحث فکری ممکن نیست عقل این مطالب عالیه را حتی به واسطه مطالعه و دقت در قوانین متعدد و متکثر هم نمی تواند کشف کرده و بفهمد.

اما در عین حال بسیاری مطالب نیز هستند که عقل در کنار نقل قادر به درک آن است مثل مفاهیمی چون علت نیاز به خداوند همدمند بودن خلقت حسن و قبح اشیا و افعال مصاح و مفاسد وحی و ارسال پیامبران و لزوم شکر گذاری منعم اموری عقلی هستند چنانچه اگر انسان تربیتی درست و دینی داشته باشد سلامت و کارایی عقلش نیز در شناخت مصالح و مفاسد امور بیشتر میشود و تصمیم گیری بر اساس مصلحت دنیا و آخرت نیز برایش ممکن میگردد چنانکه بسیاری از علمای ما در طول سالیان بر ظاهرگرایی تکیه کرده و اعتمادی بر عقل به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی نداشتند.

نتیجه گیری

مقاله حاضر ضمن پذیرفتن کارکردهای نص و عقل در استنباط احکام در مورد عقل نه افراط می پسندد و نه تفریط و برای داشتن یک رویه میانه و توصیه آن برای تحول اجتهاد ابتدا لازم دید محدودیت های عقل را بعنوان یکی از منابع استنباطی بیان کند چنانچه در متن فوق اشاره شد تا لزوم استفاده توأمان از عقل و نقل را عقل گرایان افراطی نیز خود به راحتی درک نمایند عقل و دستورات او مثل قبح عقاب بلابیان و تکلیف مالا بطلاق قابل پذیرش است اما اگر دلیل شرعی بر عقاب وجود داشته باشد دیگر نمی توان به برائت حکم کرد در مورد حرمت یا عدم حرمت عملی مشکوک باید حکم به برائت شود و همینطور جستجو در مدلول حدیث و قراین آن را صحیح می دانند چرا که بسیاری از احادیث در شرایط

میزند که نقش عقل و ارزش آن را در دریافت های ذهنی نمی دانند در حالیکه جایگاه ویژه عقل انکار نشدنی است عقل و خرد ورزی در تقابل با ظاهر گرایی و سطحی اندیشی می باشد چنانکه عقل را در احادیث به رسول باطنی نامگذاری کرده اند طوریکه بعضی علما حدیث مخالف عقل را نمی پذیرفتند اما افراط نیز چون تفریط در بهره گیری از عقل و اعتماد به نظرات عقلی، بدون توجه به شرع آسیب زننده است بعنوان مثال معتزله نیز از فرقه های مذهبی با عقل گرایی افراطی بود که توجه این فرقه به عقل گرایی و در پیش گرفتن روش عقلی در حوزه اندیشه و مسائل دینی، کاملاً مشهود است عقل گرایان افراطی ظاهر نص قرآن و حدیث را هم با معیار عقل می سنجید اگر ظاهر را با عقل مغایر ببینند آن را به توجیه و تاویل می برند و در صورت مغایرت رد می کنند به عبارتی شرط پذیرش دین را عقلانیت گزاره های آن می دانند عقل گرایان اعتدالی با وجود استفاده از عقل در اثبات حقایق دین دایره ادراک عقل را محدود می دانند لذا در تولید فتوای درست عقل و نقل را در تعامل و همراه هم می بینند.

لزوم اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در ظاهرگرایی و عقل گرایی برخلاف ظاهر گرایان افراطی یا عقل گرایان افراطی، بسیاری از علما نگاهی درست و معتدل به این مقوله داشتند زیرا خود معتقد به اشکالات و معایب این نگاه افراطی و تک بعدی بودند امام خمینی در کنار نقل به عقل هم نگاهی ویژه داشت چنانچه با تمام اهتمامی که به دریافت های استنباطی از قرآن و سنت داشتند به توانایی عقل در آنچه که مصلحت اوست اذعان میکند بطوری که می فرماید اگر عبد در مورد فعلی که با آن امر و نهی شده متوجه امر مولا نشود خودش حسن و قبح آن را تمیز می دهد.

ملاصدرا در تفسیر القرآن الکریم علم به حقایق احوال مادی را با عقل غیر ممکن می داند و می نویسد کسانی که در صدد دانستن حقایق احوال مادی جز از طریق خبر و دلیل نقلی بر آید مانند کور مادرزادی است که بخواهد رنگها را با حس چشایی یا بویایی یا بساواپی خویش درک کند و این عین انکار وجود رنگهاست.

ملاصدرا تلاش کرده برای اثبات معاد جسمانی به دلیل عقلی متوسل شود اما در خصوص جزئیات معاد جسمانی می نویسد برای تصدیق معاد جسمانی باید به کتاب و سنت رو کرد تا به آنچه حق است پی برد.

جوادی آملی با تأکید بر استفاده توأمان از عقل و نقل مینویسد عقل وجود خدا و ضرورت وحی و ارسال پیامبر را اثبات و حجیت کتاب و سنت را استدلال می کند آنگاه کارش به اتمام می رسد و کنار می رود در این هنگام بشر با محتوای دین روبرو است که از طریق فهم کتاب و سنت باید به آن برسد.

علامه مجلسی با اینکه در مواردی نقل را بر عقل ترجیح داده اما در بحث وحدت صانع ادله عقلی را بر نقلی مقدم کرده است در مباحث اعتقادی به عقل فطری و حسن و قبح ذاتی استناد می کند هر چند به اعتقاد مجلسی عقل پس از شناخت خداوند و پیامبر و امامان به

6. Boroujerdi, Seyyed Hossein (1415 AH), Nahayat al-Asul, Volume 1, Nishar Tishkar,
7. Sobhani, Jaafar (1419 AH), Tabaqat Fiqha al-Muqadamah 2, Volumes 1 to 13, Imam Sadiq Institute, Qom
8. Shirazi Sadr al-Din, Muhammad (1391 A.H.), Explanation of Usul Kafi, Volume 1, Tehran, Mahmoudi School
9. Shirazi Sadr al-Din, Muhammad bin Ibrahim, Al-Mabda and Ma'ad, translated by Ahmad bin Al-Hussein Ardakani with the efforts of Abdullah Noorani, Tehran Academic Publishing Center
10. Sheikh Tusi, Abu Jaafar Muhammad bin Hasan, Message of Beliefs, Bija, Beita Sadrudin Shirazi 1362
11. First Martyr Muhammad Bin Makki Ameli, Bita, Al-Qawam al-Fawaid, Volume 1, Qom, published by Maktaba al-Mafid.
12. Shamsuddin, Mohammad Mahdi, Ahl al-Bayt Persian Jurisprudence Magazine, number eight, publication date 1389
13. Sheikh Har Amili, Al-Shia's Tools, the research of Sheikh Mohammad Al-Razi, Beirut Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi, volume 18
14. Majlisi, Mohammad Baqir, Miryah al-Aqool fi Sharh Akhbar Al Rasool, Dar al-Kitab al-Islami, Tehran, Iran, Beta
15. Majlesi Mohammad Baqer, B. Ta., Bihar Al-Anwar, Beirut, Al-Wafa Institute of Islamic Islamic Thought, Volume 3 and Volume 1
16. Hojat al-Islam Mohammad Reza, Zairi, online news site
17. Ebrahimi Dinani Gholam Hossein (1376) Philosophical thought story in Islam, volume 1, Tehran, new design publication
18. Ansari, Morteza bin Mohammad Amin (1383), Matarah al-Nazar, Qom, second edition.

تقیه ذکر شده و یا حاوی حکمی نیست و صرفاً برای ساماندهی زندگی مردم آن زمان ذکر شده اما با این حال ظاهر گرایان مشاجرات علما در اصول فقه و اختلاف نظر آنان را به خاطر دخالت دادن عقل در حریم شرع می‌داند و تمسک به عقل و استدلال عقلی را در امور دینی توأم با خطا می‌داند هر چند اخباریون تضعیف شدند اما تفکر اخباری که باعث تضعیف جریان عقل گرا شده بود هنوز هم در میان برخی متفکران شیعه دیده می‌شود طوری که با نگاهی به نحوه برخورد با نظر لزوم تحول در اجتهاد و قشری‌گرایی و برگشت به سده‌های قبل در نظریه پردازی هانمونه‌ای از این تفکر اخباری در عصر جدید است اخباریون علاوه بر اعتقاد به عدم حجیت عقل و اجماع، حجیت ظواهر قرآن را نیز نپذیرفتند و فهم متون مخفی ظواهر را فقط در حیطه ذهنی ائمه معصومین می‌دانستند و برای این نظر خود مدعی بودند تفسیر قرآن با رای خود به منزله دروغ بستن به خداست ثانیاً اخبار متفاوتی بر عمل به ظواهر روایات از طرف ائمه به ما رسیده اما آنچه در خور توجه است، عقل و نقل در کنار هم و با استعانت از نیروی دوسویه قادر به استنباط احکام است و این مورد راهیج عالم حاذقی انکار نکرده است طبق نظر امام خمینی نیز انسان توان فهم و درک حسن و قبح افعال را دارد و حسن و قبح عقلی را قبول دارد اگر کسی اخبار معصومین را در موضوع رد امانت و اجتناب از خیانت ملاحظه کند می‌فهمد که این معنا در نظر شارع مقدس نیز اهمیت داشته و علاوه بر آن که قبح ذاتی خیانت در امانت بر هیچ عقلی مخفی نیست.

References

1. Estarabadi, Mohammad Amin, (Bita), al-Fawad al-Madani, Qom, Lahl al-Bait Publishing House.
2. Ardabili, Seyyed Abdul Ghani (1419 AH) Imam Khomeini's Philosophical Presentations, Volume 2, Imam Khomeini Publishing and Editing Institute
3. Ibn Taymiyyah, Ahmad (B.T.A.), in the Conflict of Reason and Reason, Mohammad Rashad Salim's Research, Volume One, Riyadh, Dar al-Kanuz al-Adabiyyah
4. Effendi Tabrizi, Mirza Abdullah, (1401 AH) (Riyadh Ulama, Volume 4, Qom, Publications of Ayatollah Al-Marashi School)
5. Abu Zahra Muhammad, Usul Fiqh, Dar al-Fikr al-Arabi, Cairo

19. Islamboli Samer, 2000, Tahrir al-Aql Man al-Naqq, Damascus, Al-Awail Publishing House
20. Aswad Mohammad, Abd al-Razzaq, 1429, Modern trends, Damascus, Dar al-Kalam al-Tayyib
21. Javadi Emoli Abdallah 2008, Tasnim Ali Islami Research Volume 18, Qom, Esra Publishing House
22. Hosni Hamidreza and Alipour Mehdi (2008), Topology of the Science of Principles, a Step Towards Transformation, Volume One, First Edition, Qom, Seminary Management Center Publications
23. Shirazi Sadr al-Din Muhammad bin Ibrahim 2007 Tafsir al-Qur'an al-Karim edited by Muhammad Khajawi Qom Bidar Publishing House
24. Shirazi Sadr al-Din 1363, Mufatih al-Ghaib, edited by Mohammad Khajawi, Tehran Cultural Research Institute
25. Sheikh Mufid, Muhammad bin Muhammad bin Nu'man, 1363, correcting the beliefs of the Imamiyyah, Manshurat al-Razi, Qom